

آینده‌نگاری راهبردی هم‌گرایی قومیتی در ایران ۱۴۲۰ و سناریوهای فراروی امنیت اجتماعی کشور

مسلم شیروانی ناغانی^۱

اشکان یوسفی^۲

امیر گروسی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف آینده‌نگاری راهبردی هم‌گرایی قومیتی در ایران ۱۴۲۰ صورت پذیرفت تا عوامل تأثیرگذار بر آینده وضعیت هم‌گرایی یا واگرایی قومیت‌ها و همچنین سناریوهای فراروی امنیت اجتماعی در ایران معین گردد. در این پژوهش از روش سناریونویسی با رویکرد GBN استفاده شده است. ابتدا با مرور ادبیات و تاریخچه مطالعات مشابه، به شیوه کتابخانه‌ای، ۳۸ عامل مؤثر بر هم‌گرایی قومیتی در ایران شناسایی شدند. سپس، مبتنی بر آرای خبرگان، ۱۳ پیشران اصلی مؤثر بر قلمرو موضوعی تحقیق انتخاب شدند و به کمک تکنیک تحلیل اثر متقابل، دو پیشران «تقویت هویت ملی» و «همراه‌سازی نخبگان قومی» که بر روی نمودار اکسل دارای بیشترین اثرگذاری و اثرپذیری هستند، به عنوان پیشران‌های کلیدی شناخته شدند و برای تدوین سناریوها مبنای منطق‌دهی قرار گرفتند. نهایتاً، چهار سناریو با عناوین «خانه امن» حاصل تجميع دو نبود قطعیت تقویت هویت ملی و همراه‌سازی نخبگان قومی در کشور، «خانه بی‌فرزند» حاصل تجميع دو نبود قطعیت تقویت هویت ملی و کنار گذاشتن نخبگان قومی در کشور، «خانه پوشالی» حاصل تجميع دو نبود قطعیت افزایش همراه‌سازی نخبگان قومی و تضعیف هویت ملی در کشور، «خانه ویران» حاصل تجميع دو نبود قطعیت کنار گذاشتن نخبگان قومی و تضعیف هویت ملی در کشور تدوین شدند و پیشنهادهایی برای رویارویی با سناریوهای یادشده ارائه گردید.

واژگان کلیدی:

آینده‌نگاری راهبردی، امنیت اجتماعی، هم‌گرایی قومیتی، واگرایی قومیتی، ایران.

۱. دکتری آینده‌پژوهی، استادیار پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) shirvanimoslem@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

۳. کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی، کارشناس فرهنگی و اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

جستار گشایی

کشور جمهوری اسلامی ایران جزء کشورهایی است که قومیت‌های زیادی در آن با یکدیگر هم‌زیستی دارند. جامعه ایران، جامعه‌ای است متشکل از اقوام و مذاهب و زبان‌های متفاوت، که قرن‌هاست در کنار هم زندگی می‌کنند. موضوع وحدت ملی و هم‌گرایی قومی در ایران در کنار هویت ملی و قومی موضوعی مهم برای پژوهش است (نوربخش، ۱۳۸۷). گروه‌های قومی مختلف با زبان‌ها و هویت‌های قومی متفاوت، در تشکیل ایران واحد نقش داشته‌اند. هویت قومی در ایران، پدیده‌ای ذهنی است که در دوره معاصر شکل گرفته است. جامعه ایرانی تا پیش از مطرح‌شدن مباحث قومی، جامعه‌ای ایلی و قبیله‌ای بوده است (احمدی، ۱۳۹۵: ۵۹). ضرورت هم‌گرایی این قومیت‌ها و تأثیر آن‌ها بر امنیت اجتماعی و آینده کشور از مهم‌ترین مباحثی است که باید به آن پرداخته شود. با نگاهی به گذشته این قومیت‌ها در ایران درمی‌یابیم که گاهی این تفاوت هویت قومی منجر به هم‌گرایی بوده و گاهی هم موجب واگرایی شده است. ایران کشوری چند قومیتی است و وحدت و یکپارچگی آن مرهون هم‌زیستی اقوام مختلف است و از این رو شناخت مشترکات اجتماعی اقوام؛ به‌ویژه خصوصیات که سبب تسهیل و هم‌گرایی اقوام می‌شود، حائز اهمیت اساسی است (یوسفی، ۱۳۸۱). با توجه به سیر تاریخی حکمرانی قومی، ملوک‌الطوایفی، حکومت‌های محلی و حکومت مرکزی مقتدر در سده‌های اخیر و همچنین عصبیت‌های قومی و روابط طایفه‌گرایانه و ده‌ها معیار دیگر، آنچه در تشکیل اجتماع ملی نقش تعیین‌کننده بسیاری دارد، نحوه و میزان روابط بین‌قومی و هم‌گرایی درون قومی و بین قومی است (خرازی آذر و همکاران، ۱۳۹۵). مرور تاریخ کشور ایران نشان می‌دهد که تعدد قومی در ایران، همیشه تضعیف‌کننده امنیت ملی نبوده، بلکه بعضاً با تکیه بر عناصر پایدار هم‌گرایی قومی، قوام‌بخش و تداوم‌دهنده هویت کشور ایران بوده است و گروه‌های قومی با تکیه بر تاریخ مشترک طولانی و استقرار در فضای ایران، جزئی از هویت و شاکله ایران به شمار می‌آیند (افضلی و زرغامی، ۱۳۸۸). با توجه به اهمیت موضوع تنوع قومیتی در ایران و نقشی که هم‌گرایی این قومیت‌ها در حفظ هویت کشور و قوام و توسعه آن دارد، پرداختن به این موضوع و برنامه‌ریزی بلندمدت در این حوزه ضرورت می‌یابد؛ بنابراین، این تحقیق با نگاه بلندمدت و رویکردی آینده‌پژوهانه قصد دارد ضمن احصاء مهم‌ترین عوامل و پیشران‌های مؤثر بر هم‌گرایی قومیتی در ایران، با رویکردی پیش‌دستانه، سناریوهای فراروی کشور در حوزه قومیتی را ترسیم نماید تا به برنامه‌ریزی پابرجا و بلندمدت در راستای حصول هرچه بیشتر هم‌گرایی اقوام و غافلگیرنشدن در برابر واگرایی‌های قومیتی در آینده و ارتقاء امنیت اجتماعی کمک کند. از این رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که «سناریوهای فراروی امنیت اجتماعی کشور جمهوری اسلامی ایران در موضوع تکثر و تنوع قومیتی، در افق ۱۴۲۰ کدامند؟»

قومیت

قوم به معنی مردمی است که بر اساس ویژگی‌هایی چون نژاد، زبان، مذهب، سرنوشت تاریخی مشترک و معمولاً به همراه یک افسانه اجدادی معین، در جغرافیای مشخصی گرد هم می‌آیند و بر مبنای یک یا چند مورد از این ویژگی‌ها خود را از مردمان دیگر متمایز می‌سازند (جهانبخش، ۱۳۹۳). همچنین قومیت به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند اطلاق می‌شود. اعضای گروه‌های قومی، از نظر فرهنگی خود را متمایز از گروه‌بندی‌های دیگر در جامعه می‌دانند و دیگران نیز آنان را همین‌گونه در نظر می‌گیرند. قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱).

قومیت را با معانی متفاوتی به کار برده‌اند و برداشت از مفهوم قومیت در زمان‌های مختلف، متفاوت بوده است؛ بنابراین، معرفی قومیت به عنوان گروهی خاص از مردمان یک کشور، واحدی سیاسی و یا نظام اجتماعی مبتنی بر نوعی نگاه ساختاری و سیاسی به قوم بوده است. قومیت عنوانی است که از سوی بیرونی‌ها و اعضای گروه قومی معین استفاده می‌شود و بر اهمیت گذشته‌ای واقعی یا تصویری و فرهنگ خاص گروه دلالت می‌کند که شامل عقاید مشترک، فعالیت اجتماعی، هنجارها و اشکال سازمان اجتماعی و نیز نوعی تعلق و دل‌بستگی احساسی به سرزمینی معین می‌شود که یا اکنون مسکون است یا اینکه سرزمین مادری ازدست‌رفته است. اعضای گروه قومی خود را متعلق به اجتماع مشابه می‌دانند که چنین حسی به آنان حس قوی هم‌پستگی با سایر اعضای گروه می‌بخشد (کریبی، ۱۳۹۰).

در ایران تنوع فرهنگی موجود در جامعه، در تزامن با فرهنگ عمومی کشور نیست. رابطه ارگانیک^۱ میان این دو سطح فرهنگ وجود دارد و بقای هردو به هم وابسته است. هویت‌های فرهنگی در سطح خرد با سطح کلان به‌طور ذاتی در تزامن نیستند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۱۵). موقعیت جغرافیایی ایران و مهاجرت اقوام کوچ‌نشین با زبان‌ها و ادیان مختلف در طول سه هزار سال گذشته، منجر به استقرار سه خانواده زبانی آریایی، سامی (عربی، عبری، آسوری) و اورال-آلتای (ترکی و مغولی) و نیز ادیانی چون زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام در ایران شده است (امیدی و رضایی، ۱۳۸۹). مهم‌ترین خصوصیات قومی که آن‌ها را از دیگران جدا می‌کند زبان، تاریخ، تبار، مذهب، سبک لباس پوشیدن و نوع زینت کردن است. غالب این تفاوت‌ها، فرهنگی و آموختنی هستند (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۹).

می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های قوم را به صورت زیر برشمرد (برتون، ۱۳۹۴: ۲۳۵):

- ۱- نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکانی اسطوره‌ای ۲- نام مشترک ۳- سرزمین مشترک ۴- زبان مشترک
- ۵- فضای مشترک زیستی ۶- رسوم و آداب مشترک ۷- ارزش‌های مشترک ۸- احساس تعلق به یک گروه واحد.

ایران کشوری چند قومی است که از ترکیب اقوام کرد، ترک، لر، عرب، بلوچ و فارس تشکیل شده است؛ ازاین‌رو، نوع سیاست‌های قومی باعث ایجاد افتراقات و اشتراکاتی بین هویت قومی و هویت ملی می‌شود. نوع سیاست‌های اتخاذشده توسط حاکمیت هم می‌تواند باعث ایجاد چالش‌ها و حرکت‌های واگرایانه در سطح جامعه شود و هم می‌تواند زمینه‌های هم‌گرایی اقوام با حاکمیت را فراهم نماید و به همین علت توجه به سیاست‌های قومی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (رفعتی، ۱۳۹۷: ۳۱)

امنیت اجتماعی

لارونی مارتین امنیت را «تضمین رفاه آتی» تعریف کرده است. لیپمن در بیان تعریف امنیت معتقد است که «هر ملتی تا جایی دارای امنیت است که در صورت متوسل نشدن به جنگ مجبور به رها کردن ارزش‌های محوری نباشد و چنانچه در معرض چالش قرار گیرد بتواند با پیروزی در جنگ، آن‌ها را حفظ کند» و درخایت و لفرز در تعریف مفهوم امنیت این‌گونه می‌نویسد «امنیت در معنای عینی آن یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مذکور موردحمله قرار گیرد» (رفعتی، ۱۳۹۷: ۲۲)

امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه برای حفظ ماهیت اصلی خود در شرایط متغیر و در مواجهه با تهدیدات احتمالی یا واقعی مربوط می‌شود. به‌طور اخص، امنیت اجتماعی به تداوم (البته در محدوده شرایط پذیرفتنی برای تحول) الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی ارتباط دارد. این تعریف ارائه هرگونه تعریف عینی برای اینکه چه زمان برای امنیت اجتماعی تهدیدی به وجود می‌آید را دشوار می‌سازد. امنیت اجتماعی ناظر به اوضاع و شرایطی است که جوامع به لحاظ هویتی تهدیدی را درک و مشاهده می‌نمایند. (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

امنیت اجتماعی از دیدگاه مکتب کپنهاگ: امنیت اجتماعی مؤثرترین و حیاتی‌ترین پیوند را با امنیت ملی یافته است. این پیوند در پاره‌ای وجوه قهری و در بعضی موارد اختیاری بوده است. در تعاریف موسع از امنیت ملی، به‌ویژه در استانداردهای امنیت ملی پایدار، امنیت ملی مدیون انسجام جامعه‌ای و انسجام جامعه‌ای محصول مملکت‌داری یا حکومت خوب است. (نصری، ۱۳۹۷: ۷۶)

آینده‌نگاری راهبردی^۱

آینده‌پژوهی^۲ قلمرو گسترده‌ای از مفاهیم و اصطلاحات را در برمی‌گیرد که با رویکردهای متفاوتی به مطالعات مربوط به آینده‌های بدیل می‌پردازند (سردار^۳، ۲۰۱۰: ۱۷۷). همان‌طور که رویکردهای کاملاً کمی و سازوکارهای^۴ برنامه‌ریزی با هدف «تصمیم‌گیری بهینه» دارای ایراداتی هستند و قادر به پاسخ‌گویی به

1. Strategic foresight

2. Futures Studies, Futurology

3. Sardar

4. mechanism

نیازهای برنامه‌ریزی در حوزه‌های پیچیده اجتماعی نمی‌باشند (شوونکر و والف^۱، ۲۰۱۳)، تحقیقات نشان می‌دهند که آینده‌پژوهی نیز هرگاه به‌صورت افراطی به رویکردهای نسبی‌گرایانه و انتزاعی متمایل شده است کمتر با توفیق همراه بوده است (کوسا^۲، ۲۰۱۱؛ کاپور^۳، ۲۰۰۱؛ رجسکی و آلسان^۴، ۲۰۰۶). آینده‌نگاری راهبردی به‌عنوان رویکردی عمل‌گرا در آینده‌پژوهی، بین فراقال بودن و پیش‌فعل بودن^۵، حالتی بینابینی را برمی‌گزیند. همان‌قدر که تجربه‌گرا است، به عقلانیت ارزش‌گرا تمایل دارد. به‌جای اینکه مانند برخی رویکردهای آینده‌پژوهی به‌طور افراطی بر مشارکت عمومی تأکید ورزد، نتیجه‌گرا است و بیشتر بر مشارکت خبرگان تمرکز دارد (کوسا، ۲۰۱۲: ۱۳).

آینده‌نگاری راهبردی از یک‌سو با تکیه بر تجربه‌گرایی و رویکردی پیش‌فعالانه، به تصمیم‌سازی در حوزه مسائل راهبردی و مهم کمک می‌نماید بدون آنکه فروض زیر بنایی علوم کلاسیک دخیل در برنامه‌ریزی را، به چالش بکشانند. از سوی دیگر، آینده‌نگاری راهبردی، آینده‌پژوهی فراقال را نیز موردتوجه قرار می‌دهد و به تدوین راهبردهای آینده‌ساز، بر پایه‌های عقلانی-ارزشی، در کنار دیگر گزینه‌های راهبردی اهتمام می‌ورزد (شیروانی ناغانی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ ازاین‌رو آینده‌نگاری راهبردی به‌عنوان یک فرایند میان‌رشته‌ای و عمل‌گرا در دهه‌های اخیر با استقبال روزافزونی از طرف پژوهشگران و فعالان در حوزه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مواجه شده است (آیدن^۶ و همکاران، ۲۰۱۷).

کوسا (۲۰۱۲: ۱۳)، «سناریو» را متناسب‌ترین روش برای آینده‌نگاری راهبردی می‌داند. در این پژوهش نیز روش سناریو در قسمت‌های «روش تحقیق» و «تجزیه‌وتحلیل داده‌ها» مورد اشاره و استفاده قرار خواهد گرفت. آینده‌نگاری راهبردی می‌تواند با کل‌نگری و ملحوظ داشتن عوامل مختلف محیطی و پارامترهای وابسته به صورتی یکپارچه و در کنار هم (فرناندز و کولادو^۸، ۲۰۱۴) و جایگزین نمودن سناریوهای چندگانه به‌جای پیش‌بینی خطی روندها و عوامل متغیر گوناگون (ولش^۹، ۲۰۰۵) به تکامل راهبردپذیری و برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی که با پیچیدگی و نبود قطعیت روزافزون مواجه هستند کمک کند.

عوامل مؤثر بر هم‌گرایی قومیتی در ایران

در این قسمت، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر هم‌گرایی قومیت‌ها در کشور ایران بر پایه مطالعات اسنادی و

1. Schwenker & Wulf

2. Kuosa

3. Kapoor

4. Rejeski & Olson

۵. مقصود از پیش فعال بودن (Pre-activity)، تدوین برنامه‌ها و راهبردهای آینده‌نگر است که بر اساس پیش‌بینی آینده‌های بدیل، برای رویارویی با آنها طراحی می‌شوند. فراقال بودن (Pro-activity) به معنای تدوین برنامه‌ها و راهبردهای آینده‌ساز است که به‌جای طراحی برای رویارویی با آینده، در پی طراحی و ساخت آینده هستند.

6. Iden

7. scenario

8. Fernandez & Collado

9. Walsh

کتابخانه‌ای ذکر می‌گردند. این عوامل ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی را شامل می‌شوند.

۱- افزایش عناصر مدرنیته: این عامل سبب کاهش منازعات قومی می‌شود، یعنی وقتی شاخص‌های مدرنیته در کشوری رشد داشته باشند، تحولات خشونت‌آمیز کمتر شده و انسان، آگاهانه هویت خود را در عناصری ورای قوم، قبیله و شهر خود جستجو می‌کند (کریمزاده و همکاران، ۱۳۹۲).

۲- تقویت هویت ملی: این عامل می‌تواند منجر به هم‌پستگی و هم‌گرایی بیشتر در بین مردم یک کشور شود. اجزای اصلی هویت ملی عبارتند از: نژاد، زبان و فرهنگ، آداب و رسوم و سنن اجتماعی و سرزمین مشترک (اخوان مفرد و همکاران، ۱۳۸۷). بنا بر اسناد و شواهد تاریخی، در طول اعصار و قرون و فراز و نشیب‌های بسیار، یگانه‌عامل حفظ و بقا و تداوم حیات ایران، وجود «هویت ایرانی» بوده است. هویتی که وحدت اقوام ایرانی را در عین کثرتشان حفظ کرده است (حق پناه، ۱۳۷۷).

۳- همراه سازی نخبگان قومی: نخبگان قومی با اهداف خاصی رهبری گروه‌های سیاسی اجتماعی را در اختیار می‌گیرند و با استفاده از شکاف‌های موجود بین این گروه‌ها و حکومت مرکزی، در جهت اهداف خود می‌کوشند. نخبگان غیر قومی نیز در جهت رقابت و مبارزات خود برای کسب قدرت به طرح اختلافات زبانی، مذهبی و فرهنگی می‌پردازند و از آن‌ها به‌عنوان منابع جلب حمایت به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی خود بهره‌برداری می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۹). ازاین‌رو اگر نخبگان قومی هم‌راستا با حکومت مرکزی باشند و توجیه شوند معمولاً در هم‌گرایی قومیت‌ها تأثیر بسزایی خواهند داشت.

۴- رضایتمندی مردم از دولت مرکزی: اطاعت و تبعیت شهروندان از قوانین و دستورات نظام سیاسی، محصول هم‌دلی و هم‌رأیی و درنهایت انسجام شهروندان و نظام سیاسی است. هنگامی که حسن رضایتمندی مردم از دولت و ارتباط مردم با دولت افزایش یابد قاعدتاً موجب رشد هم‌گرایی قومیت‌های مختلف خواهد شد (اعظمی و حیدری، ۱۳۹۴).

۵- تقویت هویت قومی در راستای هویت ملی: صاحب‌نظران معتقدند که تقویت هویت قومی لزوماً به تضعیف هویت و انسجام ملی نمی‌انجامد و یا تقویت هویت ملی در گرو تضعیف هویت قومی نیست، بلکه این امکان وجود دارد که در عین استحکام هویت ملی یک جامعه، افراد از هویت قومی بالایی برخوردار باشند. این امر با هم‌راستاسازی هویت قومی در جهت هویت ملی میسر می‌گردد (اعظمی و حیدری، ۱۳۹۴).

۶- افزایش قدرت حکومت مرکزی: وجود حکومت مرکزی و افزایش قدرت آن ضامن هم‌گرایی و انسجام کشور است. بیشترین فراوانی و تعدد حکومت‌های محلی نیمه‌مستقل یا مستقل در ایران در دوران

گسل تاریخی و ضعف حکومت‌های مرکزی به وجود آمده است (اعظمی و حیدری، ۱۳۹۴).

۷- ارتباطات اقتصادی با کشورهای هم‌جوار و رواج بازارچه‌های مرزی: به‌منظور زدودن احساس محرومیت نسبی اقتصادی در بین مردم مرزنشین و هم‌گرایی اقوام مرزنشین با حکومت مرکزی، راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی و ارتباط اقتصادی با کشورهای هم‌جوار می‌تواند بسیار مؤثر باشد. (اعظمی و حیدری، ۱۳۹۴).

۸- افزایش عدالت: قوم‌گرایی، تبعیض و بی‌عدالتی وقتی مصادیق عینی و اجتماعی داشته باشد، نبود وفاق و تجانس اجتماعی را رقم می‌زند. بی‌شک اگر جامعه‌ای دچار نبود توازن و نابرابری باشد و اصول عدالت در بین اقوام را رها کند، سلامت و انسجام خویش را از دست خواهد داد (فرهنگد و همکاران، ۱۳۹۴).

۹- محرومیت قومی از قدرت: درواقع مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در برخی از مناطق جغرافیایی با قلمرو ملی متفاوت است. دور نگه‌داشتن گروه‌های قومی از منابع قدرت و منافع اقتصادی، زمینه‌ساز احساس شهروندی درجه دوم و چالش‌سازی است (افضلی و ضرغامی، ۱۳۸۸). یکی از عوامل اصلی در بروز نارضایتی‌های قومی، حضور ناکافی اعضای گروه قومی در ساختار قدرت کشور و یا در تشکیلات اداری-سیاسی منطقه سکونت گروه مذکور است (سید امامی، ۱۳۸۵).

۱۰- پیشرفت‌های فناوری ارتباطات: این پیشرفت‌ها، آگاهی اقلیت‌ها در مورد تمایزهای خود با سایر گروه‌ها را افزایش می‌دهد. هنگامی که دولت مرکزی درصدد بسط نفوذ فرهنگی خویش در مناطق قومی برمی‌آید واکنش خصمانه اقلیت‌ها آغاز می‌شود (امیدی و رضایی، ۱۳۸۹).

۱۱- هسان‌سازی فرهنگی: این عامل به‌مثابه سیاستی ناهمخوان با پیش‌زمینه‌های تاریخی و بومی جامعه چند قومی ایران است که نه‌فقط در طول نزدیک به یک قرن از اعمال آن به هدف خود نائل نشده، بلکه انسجام اجتماعی و هم‌گرایی ملی تاریخی جامعه ایرانی را تهدید می‌کند (مرادی‌جو، ۱۳۹۱).

۱۲- جهانی‌شدن: جهانی‌سازی، با تلاش برای تحمیل ارزش‌ها و فرهنگ‌های دولت‌های خاص بر بقیه ملّت‌ها، آثار و نتایجی منفی به بار خواهد آورد. اکنون در جهان سوم این نتایج به‌وضوح مشاهده می‌شوند: ۱- ناامنی فرهنگی؛ زیرا فرهنگ‌های بومی به‌طور گسترده و بی‌مهابا تسمخر و تحقیر می‌شوند؛ ۲- ازخودبیگانگی؛ ۳. بحران هویت؛ ۴. فرار مغزها ۵- از بین رفتن تکثر و تنوع فرهنگی و رشد تک‌فرهنگی ۶- ایجاد شکل‌های جدیدی از استعمار ۷- غربی‌سازی (بایوردی و کریمیان، ۱۳۹۳).

۱۳- استقرار قومیت‌ها در حاشیه مرزها: بُعد مسافت، مانع از دسترسی سریع و کم‌هزینه دولت مرکزی به اقوام می‌شود و با وجود جمعیتی از هم‌تباران خونی و فرهنگی در آن سوی مرزها، ممکن است

وابسته‌نبودن به دولت مرکزی و هویت ملی اتفاق افتاده و نوعی واگرایی ایجاد شود. (پوررحمان برندق، ۱۳۸۸).

۱۴- دخالت بیگانگان: آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی از قومیت‌گرایی در ایران به‌صورت علنی حمایت می‌کنند (مهری کارنامی، ۱۳۸۸). گسترش ناسیونالیسم^۱ قومی و منازعات فرقه‌ای از پیش‌زمینه‌های اهداف نظام سلطه در تغییر وضعیت سیاسی-اجتماعی منطقه و جهان اسلام به شمار می‌رود. آمریکا و غرب با تحمیل نظریه «پلورالیسم^۲ دینی و سیاسی» در جهان اسلام به گسترش فرقه‌گرایی کمک کرده و برای واگرایی ملی بسترسازی می‌کنند (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۴).

۱۵- جاسوسی: به جهت استقرار اقوام ایرانی در حاشیه کشور، تردد و رابطه آن‌ها با کشورهای هم‌جوار و نفوذپذیری مرزها سرویس‌های جاسوسی کشورهای دشمن و حتی دوست در پی استخدام و به‌کارگیری افراد با انگیزه‌های قومی هستند. چنین تحولاتی حس قوم‌گرایی و شیوع جنبش‌های تجزیه‌طلبانه قومی را افزایش می‌دهد (مهری کارنامی، ۱۳۸۸).

۱۶- مهاجرت اقوام به مراکز شهری: در برخی استان‌ها، مهاجرت و استقرار اقوام در حاشیه‌های کلان‌شهرها موجب افزایش ناامنی و درگیری و بروز اغتشاش و سوءاستفاده عناصر بیگانه از این ظرفیت‌ها جهت بحران‌سازی در کشور شده است (مهری کارنامی، ۱۳۸۸).

۱۷- ارتباطات میان فرهنگی: به عقیده برخی از کارشناسان برای ایجاد هم‌بستگی هنجاری فرهنگی و ارتباط بین فرهنگ و هویت ایرانی باید از مدلی مبتنی بر ارتباطات میان فرهنگی استفاده کرد که ضمن تقویت هم‌بستگی ملی می‌تواند به پویایی فرهنگی و کاهش کلیشه‌سازی منجر گردد (نوربخش، ۱۳۸۷).

۱۸- تأکید بر دین اسلام: دین اسلام به‌عنوان دین اکثریت مطلق همه اقوام ایرانی، دینی که به برابری و برادری توصیه می‌کند، همیشه عنصر هویت‌بخش و عامل انسجام اجتماعی و سیاسی بوده است (نوربخش، ۱۳۸۷).

۱۹- تأکید بر فرهنگ غالب: وجود یک فرهنگ غالب و هدایت‌کننده که مخرج مشترک همه ایرانیان و همه فرهنگ‌های آن است، تعیین‌کننده‌ترین عامل در رفتار عمومی مردم است که عبارت است از تدین، انسان‌دوستی، همدوستی، استقلال‌خواهی و علاقه به خاک (نوربخش، ۱۳۸۷).

۲۰- محرومیت اقتصادی: این عامل موجب گشته تا اقوام امکان مشارکت اجتماعی کمتری بیابند و در نتیجه گرایش به ایجاد جامعه موازی پیدا کنند (نوربخش، ۱۳۸۷).

۲۱- ایجاد مشارکت ساختاری اقوام و اقلیت‌ها: این موضوع به‌طور قابل‌قبولی باید توسعه یابد. این امر مانع ایجاد نهادها و سازمان‌های موازی می‌گردد. نظام آموزشی و اداری، ضمن حفظ وحدت ساختاری خود باید از تمرکزگرایی پرهیز نماید (نوربخش، ۱۳۸۷).

1. Nationalism

2. Pluralism

۲۲- زبان فارسی: زبان معمولاً یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در هویت قومی است و شواهد جامعه‌شناختی نیز نشانگر آن است که در ساخته‌شدن هویت قومی سهم زیادی دارد (سید امامی، ۱۳۸۵) به همین دلیل تأکید بر زبان فارسی به‌عنوان زبان مشترک در کشور می‌تواند هویت ملی و به‌تبع آن هم‌گرایی را افزایش دهد.

۲۳- توزیع نابرابر منابع: این عامل در میان قومیت‌های مختلف به‌عنوان یکی از شایع‌ترین علل نارضایتی یافت می‌شود. بیش از همه در میان عرب‌های خوزستان که بخش اعظم منابع ثروت ایران به‌صورت ذخایر نفتی در خوزستان وجود دارد، اما صرفاً بخش اندکی از آن منابع صرف خود مردم خوزستان می‌شود (سید امامی، ۱۳۸۵).

۲۴- سازمان‌های سیاسی قومیت‌گرا: یکی از عوامل اصلی رشد‌گرایش‌های قومی، سازمان‌های سیاسی قومیت‌گرا هستند (سید امامی، ۱۳۸۵).

۲۵- تقویت مذهب شیعه: پایه اصلی وفاق اجتماعی در ایران در پانصد سال گذشته، مذهب تشیع بوده است و اساساً هویت ایرانی زیر سایه مذهب اهل‌بیت (ع) شکل گرفته و شکل امروزی یافته است (رمضان نرگسی، ۱۳۸۶).

۲۶- وضعیت جغرافیایی: دو عامل جغرافیایی دوری از مرکز و فضای کویری عاری از حیات فعال، تأثیر عمده‌ای در جدایی منطقه بلوچستان از بخش مرکزی داشته است (درویشی و امامی، ۱۳۸۹).

۲۷- تحقیر خرده‌فرهنگ‌ها: تحقیر خرده‌فرهنگ‌ها سبب می‌شود تا حاملان آن‌ها مشی انفعال (حقیر) را بپذیرند و یا با واکنشی تند به آن پاسخ دهند (احمدی، ۱۳۹۵: ۷۲).

۲۸- اسطوره‌های ملی و قهرمانان مشترک: اسطوره‌های مشترک و قهرمانان و شخصیت‌های ملی ازجمله عناصر پیونددهنده‌ای هستند که هم‌گرایی را ممکن و روند واگرایی را با مشکل روبه‌رو می‌سازند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۵۷۰).

۲۹- تأکید بر سازمان‌ها و احزاب ملی: آن دسته از سازمان‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی ملی که توان انتقال الگویی و ایجاد وفاق رویکردی و ارزشی را حداقل در یک عرصه دارا هستند، می‌توانند در شکل‌گیری و خلق ماهای کوچک، اما بین قومی، بین طبقه‌ای و بین نژادی بسیار مؤثر باشند (درویشی و امامی، ۱۳۸۹).

۳۰- ارتقای دانش و سواد و رشد آموزش و پرورش: این امر، عامل تحرک اجتماعی و تسهیل روابط اجتماعی و رفع تعصبات و سبب کاهش فاصله‌های فرهنگی موجود خواهد شد (همان).

۳۱- ایجاد فرصت‌های شغلی و اقتصادی: این عامل هم‌فرصت و هم‌تهدید است. رشد اقتصادی مناطق محروم، رافع معضلات قومی و موجب کاهش تنش‌های قومی است اما ممکن است حس

استقلال‌طلبی و خودمختاری را تقویت کند (همان).

۳۲- استقلال‌طلبی همسو با خارج از مرزها: دولت جمهوری اسلامی ایران به‌صورت بالقوه با پدیده ایرردنتیسم^۱ (جنبش استقلال‌طلبانه‌ای که خواستار الحاق به نیمه جداشده خویش در آن سوی مرز است) مواجه است (همان).

۳۳- ادغام جمعیت‌های قومی: میزان ادغام جمعیت‌های قومی در بطن جامعه ایرانی نسبتاً پایین است؛ برای مثال کردها با حداقل ادغام از بالاترین میزان هم‌پستگی و قوی‌ترین سازمان سیاسی برخوردارند، درحالی‌که آذری‌ها به میزان فراوانی در جامعه ایران ادغام‌شده‌اند (همان).

۳۴- تسهیل رفت‌وآمد برون‌مرزی و داخلی: همان‌طور که بیان شد دوربودن قومیت‌ها از مرکز حکومت ازجمله مشکلات افزایش واگرایی قومیت‌ها بوده. در بسیاری از مناطق مرزی از گذشته دور روابط فامیلی در دو سوی مرز وجود داشته است و روستاهایی هستند که با یکدیگر ازدواج کرده‌اند؛ بنابراین، رفت‌وآمد دوطرف ضروری است. تا زمانی که سازوکار مناسب برای تسهیل در رفت‌وآمد ایشان فراهم نشود به تردهای غیرقانونی ادامه می‌دهند و هرگونه برخورد خشن و تیراندازی به‌سوی این دسته از افراد تأثیر منفی شدیدی را در بردارد. (جلال و محمدی اطهر، ۱۳۹۲)

۳۵- اعمال خشونت: تجربه نشان داده است که هم‌پستگی ملی در بسیاری از کشورهایی که سابقه تاریخی زیادی ندارند، عمدتاً از طریق اعمال زور و خشونت حاصل شده است؛ اما در تعدادی از کشورها که دارای سوابق تاریخی و تمدنی هستند هم‌پستگی ملی کمتر حاصل اعمال خشونت دولت‌هاست. (خسروی و حسینی مهر، ۱۳۹۵)

۳۶- استعداد بسیج‌گری و بسیج‌شدگی گروه‌های قومی: تجربه نشان داده است هنگامی که حرف از امنیت ملی در مواجهه با بیگانگان شده، قومیت‌ها هم‌پستگی بیشتری نسبت به این مسئله از خود نشان داده‌اند. (همان)

۳۷- رشد مطبوعات محلی، صداوسیما، هنرها و نمایش‌های محلی: رشد مطبوعات محلی و شبکه‌های بومی و امثالهم موجب رشد و تقویت آیین‌های بومی و محلی و قومی شده و هم‌پستگی آن‌ها را افزایش می‌دهد. (همان)

۳۸- گسترش سرمایه اجتماعی: به هر میزان که سرمایه اجتماعی در جامعه ملی افزایش یابد، هم‌پستگی ارتباطی بیشتر تأمین‌شده و ضریب انسجام ملی ارتقاء می‌یابد. (همان).

خسروی و حسینی مهر (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش قومیت‌ها بر تقویت انسجام ملی» به این نتیجه رسیده‌اند که انسجام ملی مسئله‌ای فرهنگی و اجتماعی است که می‌توان با اتخاذ استراتژی ارتقاء انسجام ملی و دفاع قابلیت محور بر پایه چهار مؤلفه تأمین امنیت اجتماعی، گسترش سرمایه اجتماعی،

ارتقاء منزلت زبان فارسی و الحاق به کنوانسیون جهانی تنوع فرهنگی هم‌بستگی بیشتری در اقوام ایجاد کرد. جعفر حق‌پناه و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «اشتراکات فرهنگی-تاریخی به‌عنوان مؤلفه هم‌گرایی قوم بلوچ با حاکمیت و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان» به این نتیجه رسیدند که یکی از مؤلفه‌های بسیار حائز اهمیت در راستای هم‌گرایی قوم بلوچ با حاکمیت و ارتقاء امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان، اشتراکات فرهنگی قوم بلوچ با فرهنگ ایرانی و حاکمیت است. ازجمله مهم‌ترین عوامل ایمان آوردن هم‌زمان قوم بلوچ با سایر ایرانیان به دین اسلام با ورود اسلام به ایران، قراردادن قوم بلوچ در حوزه سرزمینی ایران در ادوار مختلف تاریخی، اعتقاد به آداب، رسوم و باورهای مشترک مانند جشن نوروز، اعتقاد به شورچشمی و بدنظری، پرسه و... وجود ترانه‌ها و نثرهای بلوچی با مضامین ملی و میهن‌دوستانه، نژاد مشترک آریایی، برخورداری زبان بلوچی و فارسی از ریشه مشترک به‌عنوان مهم‌ترین اشتراکات، بیشترین تأثیر در هم‌گرایی قوم بلوچ با حاکمیت و ارتقاء امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان دارند.

فرهاد درویشی و اعظم امامی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با موضوع «قومیت‌ها و هم‌بستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران چالش‌ها و راهکارها» به این نتیجه رسیدند که قوام هم‌بستگی ملی در ایران از یک‌سو متکی به مناسبات دولت ملی با اقوام مختلف کشور و از سوی دیگر متکی به کم و کیف روابط اقوام درون ایران با یکدیگر است.

در مطالعه‌ای دیگر یوسف بیانلو (۱۳۸۷) به بررسی «جامعه‌شناختی نگرش شهروندان زنجانی به قومیت‌گرایی (مطالعه موردی پان‌ترکیسم)» پرداخته و در آن اشاره شده است که با استفاده از نقش توسعه‌ای نظام اسلامی فرصتی است که زبانه‌های فرامرزی اقوام ایرانی را مدیریت کرده و توجه بیشتری به تحركات قومی همسو با اتفاقات خارج از مرز داشته باشد.

حمیدرضا رفعتی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال غرب و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی» که امنیت اجتماعی ج.ا.ا به‌عنوان متغیر وابسته در این پژوهش، در چهارچوب نظری مکتب کپنهاگ موردبررسی قرارگرفته بود، بر اساس آموزه‌های این مکتب، مرجع امنیت اجتماعی هویت، حفظ ماهیت اصلی، کاهش تهدیدات داخلی و مشروعیت به‌دست آمده است.

الهی منش و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با موضوع «عصر جهانی شدن و تأثیر گرایش‌های قومی بر امنیت ملی ج.ا.ا ایران» پس از بررسی مباحث نظری قومیت و جهانی شدن آن عواملی مانند تنوع قومی در اثر مرزبندی، موقعیت جغرافیایی قومیت‌های مختلف، افکار تجزیه‌طلبی، شکاف‌ها و تعارضات گروه‌های قومی و نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی را ازجمله موارد موجب حفظ و یا نبود امنیت ملی می‌شمارد.

در پژوهشی دیگر با موضوع «قومیت و ابعاد آن در ایران»، علیرضا اسلامی (۱۳۸۵) پس از مطالعه وضعیت اقوام مختلف در ایران ۹ راهبرد مناسب برای انسجام اجتماعی و جلوگیری از فعالیت گرایش‌های قومی را مطرح کرده و پس‌از آن به شناسایی مهم‌ترین تهدیدات، آسیب‌ها و فرصت‌های قومیت‌ها پرداخته است.

جلال و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مرز و قومیت، تهدید یا فرصت» با روش مطالعه و بررسی کتب و اسناد مرتبط و تجارب نگارنده، پس از بررسی وضعیت قوم‌های مرزنشین در ادوار تاریخی به بیان فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از قرار گرفتن اقوام در مرزها پرداخته و این وضعیت جغرافیایی مرزنشینی را برای اقوام مختلف ایران فرصتی بزرگ دیده است و نهایتاً شش پیشنهاد عملی برای این تهدیدات بیان کرده است.

در مابقی مقالاتی که در خصوص قومیت‌ها و وضعیت آن‌ها نگاشته شده توجه به تعاریف و مفاهیم و وضعیت کنونی آن‌ها در ایران و یا وضعیت و نگرش دولت ملی ایران در قبل از انقلاب و تاکنون شده است؛ بنابراین، پژوهشی نسبت به سناریوهای پیش روی کشور در حوزه مسائل مربوط به قومیت‌ها یافت نشد.

روش‌شناسی

این پژوهش بر اساس روش سناریونگاری انجام شده است. کوتاه‌ترین و شیواترین تعریف سناریو را (وندل بل ۲۰۰۳: ۳۱۷) بیان کرده است که سناریوها را محصول روش‌های آینده‌پژوهی می‌داند. وی بر این باور است که، تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند. برخی سناریو را توصیف از وضعیت آینده و مجموعه‌ای از رخدادهایی که آن وضعیت را به وجود می‌آورند تعریف می‌کنند (گودت و رولتا، ۱۹۹۶: ۶۱). در سناریو، این تشریح و توصیف به گونه‌ای است که انتخاب‌های پیش رو و نتایج هر انتخاب مشخص می‌شوند. سناریوها همچنین به عنوان ابزاری اکتشافی و یا ابزار تصمیم‌گیری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. (کرامت‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۵) هدف سناریوسازی، گسترش تفکر درباره آینده و عریض‌تر کردن طیف آینده‌های جایگزین است که می‌تواند مورد نظر ما باشد. سناریوسازی یکی از روش‌های رایج آینده‌پژوهی است که از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای آینده، تصاویری باورپذیر و به لحاظ درونی سازگار از آینده ایجاد می‌کند (لینگدن و باندهلد، ۱۳۹۰: ۳۶).

پیتر شوارتز در کتاب هنر دورنگری، گام‌های سناریونویسی با رویکرد GBN را مطرح کرده است که به صورت خلاصه اگر بخواهیم در ۶ گام متناسب با موضوع طرح شده بنویسیم به شرح زیر توصیف می‌شود: (شوارتز، ۱۳۸۷):

گام ۱- مشخص کردن موضوع اصلی و تبیین آن

گام ۲- تعیین عوامل کلیدی و فرایندهای مهم محیطی مؤثر بر موفقیت یا شکست موضوع یا تصمیم (مرور ادبیات و مصاحبه با خبرگان)

گام ۳- تعیین نیروهای پیشران اثرگذار بر عوامل کلیدی (پرسشنامه)

گام ۴- رتبه‌بندی پیشران‌ها بر اساس اهمیت و نبود قطعیت آن‌ها در ارتباط با موضوع پژوهش (پنل خبرگان)

گام ۵- ایجاد فضای سناریو با انتخاب منطق سناریوها و بررسی آن‌ها

گام ۶- نگارش سناریوها و نتیجه‌گیری

بدین‌جهت در این پژوهش با استفاده از سناریونویسی با رویکرد GBN در ابتدا با مرور ادبیات و تاریخچه مطالعات مشابه (به روش کتابخانه‌ای)، نسبت به ایجاد پنل‌های خبرگان (برای شناسایی پیشران‌ها و نبود قطعیت‌های کلیدی) که پرسشنامه‌ای مدون از سؤالات استخراج‌شده از ۳۸ عنصر اصلی هم‌گرایی یا واگرایی در قومیت‌ها اقدام شد و سپس عواملی که نبود قطعیت بیشتری داشتند در نمودار مشخص شد. جامعه آماری آن نیز از نخبگان دانشگاهی و صاحب‌نظران حوزه آینده‌پژوهی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و مردم‌شناسی به تعداد ۱۵ نفر انتخاب شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

دسته‌بندی عوامل و پیشران‌ها

آنچه به‌عنوان عوامل و روندها در سطح ملی، می‌تواند بر هم‌گرایی و یا واگرایی اقوام و نهایتاً امنیت اجتماعی کشور مؤثر باشد به‌عنوان عوامل بسیار مهم و مورد تأکید بر این مطالعات در جدول (۱) دسته‌بندی شده است و پیشران‌های زیر که موجب نبود قطعیت‌های آینده خواهند شد، استخراج‌شده است. برای ایجاد سناریویی پذیرفتنی نیز از مهم‌ترین عواملی که نقش اصلی را ایجاد خواهند کرد، استفاده شده است و به‌عنوان نبود قطعیت‌های کلیدی معرفی شده‌اند. برخی از عوامل و علل یادشده پیش‌فرض اصلی عوامل دیگر هستند؛ مثلاً افزایش عدالت مستتر در عوامل دیگر و روندهای جزئی‌تری است که باید نبود قطعیت آن‌ها بررسی شود. برای همین نیاز است که حتی‌الامکان از همپوشانی عوامل پرهیز گردد و پیشران‌های دقیق‌تر و اصلی‌تر انتخاب شوند تا بتوانیم بررسی بهتری انجام دهیم. از همین رو ۱۳ عامل با بالاترین اولویت مطابق جدول (۱) انتخاب و دسته‌بندی شدند.

جدول (۱) - دسته‌بندی عوامل و پیشران‌ها

ردیف	شاخص‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های سیاسی	شاخص‌های جغرافیایی
۱	تقویت هویت ملی	ارتباطات اقتصادی با کشورهای هم‌جوار و رواج بازارچه‌های مرزی	افزایش قدرت حکومت مرکزی	استقرار قومیت‌ها در حاشیه مرزها
۲	همراه سازی نخبگان قومی	محرومیت اقتصادی	استقلال طلبی همسو با خارج از مرزها (ایرردنتیسم)	مهاجرت
۳	تقویت مذهب رسمی کشور	توزیع نابرابر منابع	دخالت بیگانگان و افزایش جاسوسی	تسهیل رفت و آمد برون مرزی و داخلی
۴	افزایش عناصر مدرنیته و جهانی شدن	*	*	*

رتبه‌بندی پیشران‌ها بر اساس درجه اهمیت و نبود قطعیت

در این مرحله پس از مشخص شدن فهرست عوامل مؤثر و اولویت‌دار، ضرایب تأثیر هر یک از این عوامل بر روی دیگری با دادن عددی از ۱ الی ۵ با استفاده از طیف لیکرت مشخص می‌گردد. به این صورت که ۱ به معنای تأثیر بسیار ضعیف، ۲ به معنای تأثیر ضعیف، ۳ به معنای تأثیر متوسط، ۴ به معنای تأثیر قوی و ۵ به معنای تأثیر بسیار قوی خواهد بود. در نهایت تأثیر متقابل این عوامل به صورت سطر و ستون در جدول (۲) آورده شده است.

جدول (۲) - تأثیرات متقابل عوامل

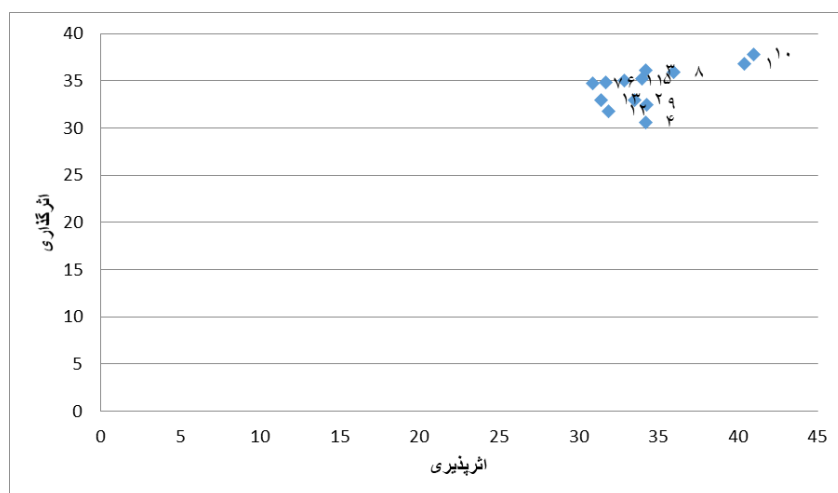
تقویت هویت ملی	۰/۰	۴/۶	۴/۱	تقویت مذهب رسمی کشور	۲/۹	افزایش عناصر مدرنیته و جهانی شدن	۲/۹	ارتباطات اقتصادی با کشورهای هم‌جوار و رواج بازارچه‌های مرزی	۲/۹	محرومیت اقتصادی	۲/۵	توزیع نابرابر منابع	۳/۴	افزایش قدرت حکومت مرکزی	۴/۶	دخالت بیگانگان و افزایش جاسوسی	۳/۱	همراه سازی نخبگان قومی	۴/۶	استقرار قومیت‌ها در حاشیه مرزها	۳/۱	مهاجرت	۲/۶	تسهیل رفت و آمد برون مرزی و داخلی	۲/۰	جمع (تأثیرپذیری)	۴۰/۴
----------------	-----	-----	-----	----------------------	-----	----------------------------------	-----	---	-----	-----------------	-----	---------------------	-----	-------------------------	-----	--------------------------------	-----	------------------------	-----	---------------------------------	-----	--------	-----	-----------------------------------	-----	------------------	------

جمع (تأثیرپذیری)	۳۳/۵	۲/۸	۲/۴	۳/۳	۳/۳	۱/۹	۳/۳	۱/۸	۱/۸	۳/۰	۲/۴	۳/۴	۰/۰	۴/۱	استقلال طلبی همسو با خارج از مرزها
تسهیل رفت و آمد برون مرزی و داخلی	۳۴/۲	۳/۰	۲/۴	۲/۵	۴/۳	۱/۶	۳/۳	۲/۸	۱/۹	۳/۱	۱/۹	۰/۰	۳/۳	۴/۱	تقویت مذهب رسمی کشور
مهاجرت	۳۳/۹	۳/۰	۲/۱	۲/۶	۳/۳	۳/۶	۳/۴	۲/۶	۳/۴	۳/۱	۰/۰	۲/۳	۲/۴	۲/۱	افزایش عناصر مدرنیته و جهانی شدن
استقرار قومیت‌ها در حاشیه مرزها	۳۴	۴/۰	۲/۹	۳/۶	۲/۴	۱/۹	۲/۴	۳/۱	۱/۹	۰/۰	۲/۶	۲/۹	۲/۹	۳/۴	ارتباطات اقتصادی با کشورهای هم‌جوار و رواج بازارچه‌های مرزی
همراه سازی نخبگان قومی	۳۱/۷	۲/۳	۲/۸	۳/۰	۲/۵	۳/۳	۳/۰	۳/۱	۰/۰	۲/۹	۲/۰	۲/۹	۱/۸	۲/۱	محرومیت اقتصادی
دخالت بیگانگان و افزایش جاسوسی	۳۰/۹	۲/۳	۲/۴	۳/۰	۲/۳	۳/۱	۲/۹	۰/۰	۳/۵	۳/۱	۱/۸	۲/۹	۱/۶	۲/۰	توزیع نابرابر منابع
افزایش قدرت حکومت مرکزی	۳۶	۲/۳	۲/۶	۲/۸	۴/۰	۲/۵	۰/۰	۲/۹	۲/۳	۲/۰	۲/۳	۳/۹	۴/۰	۴/۴	افزایش قدرت حکومت مرکزی
افزایش قدرت حکومت مرکزی	۳۴/۳	۲/۵	۲/۸	۳/۳	۳/۵	۰/۰	۲/۱	۳/۱	۳/۸	۲/۵	۳/۱	۲/۶	۲/۴	۲/۶	دخالت بیگانگان و افزایش جاسوسی
همراه سازی نخبگان قومی	۴۱	۳/۰	۲/۹	۳/۴	۰	۲/۵	۴/۴	۲/۵	۲/۸	۳/۱	۳/۴	۴/۵	۳/۹	۴/۶	همراه سازی نخبگان قومی
استقرار قومیت‌ها در حاشیه مرزها	۳۲/۹	۲/۳	۲/۳	۰/۰	۲/۸	۳/۳	۲/۶	۳/۵	۴/۱	۳/۰	۱/۸	۲/۵	۲/۳	۲/۴	استقرار قومیت‌ها در حاشیه مرزها
مهاجرت	۳۲	۳/۵	۰	۲/۱	۲/۴	۲/۹	۱/۳	۳/۶	۳/۸	۳/۱	۳/۳	۱/۶	۲/۰	۲/۴	مهاجرت
تسهیل رفت و آمد برون مرزی و داخلی	۳۱/۴	۰	۳/۶	۲/۳	۲/۴	۲/۸	۲/۶	۲/۳	۳/۰	۳/۴	۳/۱	۲/۵	۱/۸	۱/۶	تسهیل رفت و آمد برون مرزی و داخلی
جمع (تأثیرگذاری)	۳۳	۳۱/۸	۳۵	۳۷/۸	۳۲/۵	۳۵/۹	۳۴/۷	۳۴/۸	۳۵/۲	۳۰/۶	۳۶/۱	۳۳	۳۶/۸	۳۳	جمع (تأثیرگذاری)

جدول (۳) میزان اثرگذاری و اثرپذیری هریک از پیشران‌ها را به تفکیک نشان می‌دهد. همچنین در شکل (۱)، جایگاه هر پیشران بر روی نمودار دوبعدی اثرگذاری-اثرپذیری به کمک نرم‌افزار اکسل ترسیم شده است. در شکل (۱) به جای نام هر یک از پیشران‌ها، شماره ردیف آن‌ها در جدول (۳) بر روی نمودار درج شده است.

جدول (۳)- میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پیشران‌ها

ردیف	پیشران‌ها	جمع امتیاز سطرها (اثرپذیری)	جمع امتیاز ستون‌ها (اثرگذاری)	مجموع
۱	تقویت هویت ملی	۴۰/۴	۳۶/۸	۷۷/۲
۲	استقلال‌طلبی همسو با خارج از مرزها (ایرردنتیسم)	۳۳/۵	۳۳	۶۶/۵
۳	تقویت مذهب رسمی کشور	۳۴/۲	۳۶/۱	۷۰/۳
۴	افزایش عناصر مدرنیته و جهانی‌شدن	۳۴/۲	۳۰/۶	۶۴/۸
۵	ارتباطات اقتصادی با کشورهای هم‌جوار و رواج بازارچه‌های مرزی	۳۴	۳۵/۲	۶۹/۲
۶	محرومیت اقتصادی	۳۱/۷	۳۴/۸	۶۶/۵
۷	توزیع نابرابر منابع	۳۰/۹	۳۴/۷	۶۵/۶
۸	افزایش قدرت حکومت مرکزی	۳۶	۳۵/۹	۷۱/۹
۹	دخالت بیگانگان و افزایش جاسوسی	۳۴/۳	۳۲/۵	۶۶/۸
۱۰	همراه‌سازی نخبگان قومی	۴۱	۳۷/۸	۷۸/۸
۱۱	استقرار قومیت‌ها در حاشیه مرزها	۳۲/۹	۳۵	۶۷/۹
۱۲	مهاجرت	۳۱/۹	۳۱/۸	۶۳/۷
۱۳	تسهیل رفت‌وآمد برون‌مرزی و داخلی	۳۱/۴	۳۳	۶۴/۴



شکل (۱)- ماتریس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پیشران‌ها

با توجه به اینکه مطابق شکل (۱)، دو پیشران شماره ۱ (تقویت هویت ملی) و شماره ۱۰ (همراه سازی نخبگان قومی) دارای بیشترین اثرگذاری هستند و همچنین به دلیل اثرپذیری حداکثری، از نبود قطعیت بالایی نیز برخوردارند، برای منطق دهی به سناریو و ترسیم سناریوهای فراروی جمهوری اسلامی ایران در موضوع تنوع قومیتی و امنیت اجتماعی، از این دو پیشران استفاده می‌شود. شکل (۲)، چهار سناریو پیش روی کشور بر اساس منطق دهی مذکور را نشان می‌دهد.



شکل (۲) - سناریوهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در موضوع قومیتی

نتیجه‌گیری

در این قسمت، ابتدا سناریوها مورد توصیف قرار می‌گیرند و سپس بر اساس سناریوهای تدوین شده و وضعیت پیشران‌های کلیدی در آنها، در انتهای هر سناریو برخی پیشنهادها ارائه می‌گردد.

سناریو ۱: خانه امن

فضای این سناریو برداشت شده از تجمیع دو نبود قطعیت افزایش هویت ملی و همراه سازی نخبگان قومی در کشور خواهد بود. در فضای ایدئال شکل گرفته که بهترین سناریوی ممکن خواهد بود، شاهد یکپارچگی ایران با تأکید بر هویت ملی و بهره‌گیری از نخبگان اقوام گوناگون در کشور خواهیم بود که بدون شک می‌تواند به افزایش قدرت حاکمیت و افزایش امنیت اجتماعی، کمک شایانی نماید. تأکید دین اسلام بر وحدت، دوستی و همراهی با سایر مذاهب و ادیان رسمی، هم‌گرایی مناسبی میان اقوام ایرانی ایجاد می‌کند و همچنین مذهب رسمی کشور (شیعه) که اکثریت جمعیت ایران را به خود اختصاص داده است، قائل به

برتری نژادی و قومی نیست. ریشه ایرانیّت و هویت ملی که در تاریخ، آثار تاریخی یکپارچه، زبان مشترک و آداب و رسوم پذیرفته شده از سوی قومیت‌های مختلف است، می‌تواند در هم‌گرایی این قومیت‌ها برای رسیدن به یکپارچگی بیشتر کمک کند. قطعاً در این یکپارچگی منظور از بین رفتن آداب و رسوم قومیت‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف نیست و تمامی این‌ها همراه با هویت ملی می‌تواند هم‌گرایی بیشتری ایجاد کند و امنیت اجتماعی را نیز بهبود بخشد. نتیجه این سناریو توجه بیشتر به هویت‌های فرهنگی و اجتماعی قومیت‌ها، ایجاد ساختارهای حمایت حفظ هویت ملی، توجه به قدرت آداب و رسوم ملی در جهت حفظ وحدت بیشتر، افزایش حس تعهد ملی آحاد ملت، افزایش حس مسئولیت اجتماعی و فرهنگی، حفظ آثار و ابنیه تاریخی، اشاعه تاریخ ملی، حذف خرافات دینی، توجه بیشتر به وحدت دینی و ایجاد وحدت قوی میان اقوام گوناگون است. مطلوب‌ترین سناریوی پیش‌روی نظام جمهوری اسلامی ایران که با مودت، همدلی، اتحاد و هم‌گرایی سبب پیشرفت و اعتلای ایران خواهد شد، بدون شک همین شرایط است چراکه همگان خود را متعلق به یک کل واحد و ایمن می‌دانند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌گردد حاکمیت، سیاست‌های کلان خویش را به سمت استفاده از توان نخبگان از قومیت‌های مختلف در مناصب گوناگون به منظور همکاری و تصمیم‌گیری مشارکتی با بهره‌گیری از آراء خبرگان، معطوف نماید چراکه بهترین نتایج برای آینده هم‌گرایی در قومیت‌ها و افزایش امنیت اجتماعی، با استفاده از همین سازوکار محقق خواهد شد.

سناریو ۲: خانه بی‌فرزند

فضای این سناریو برداشت شده از حاصل تجمیع دو نبود قطعیت افزایش هویت ملی و کنار گذاشتن نخبگان قومی در کشور خواهد بود. بدین معنا که مؤلفه‌های مربوط به هویت ملی روبه افزایش و حس تعلق به ایران و فداکاری و ایثار مطابق با آداب و رسوم ملی و همچنین آموزه‌های دینی بر افراد حاکم است اما از نخبگان قومی به عنوان نمایندگان اصلی قومیت‌های مختلف ایران، غافل شده و آنان را در انزوا قرار داده است؛ ثمره این نوع تصمیم‌گیری کاهش تعهد ملی قومیت‌ها به حکومت مرکزی است که می‌تواند سبب اختلال در امنیت اجتماعی به‌ویژه در مناطق مرزی باشد و از سوی دیگر، سبب افزایش مهاجرت و رفت و آمدها به کشورهای بیگانه و احتمال ایجاد فضای جاسوسی به واسطه نداشتن حس تعلق‌پذیری خواهد شد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که کشور را از فضای هم‌گرایی قومیت‌ها دور خواهد ساخت. همچنین به نظر می‌رسد که به واسطه نبود مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند زمینه مخالفت و نپذیرفتن تصمیمات حکومت مرکزی را فراهم سازد و همین مهم، می‌تواند سبب تضعیف حکومت مرکزی و زیر سؤال رفتن امنیت گردد؛ باید توجه نمود که تاریخ ایران نیز، همواره شاهد رشادتها و حضور پررنگ اقوام گوناگون در تنگناهای تاریخی و سرنوشت‌ساز بوده است که هشت سال دفاع مقدس، می‌تواند بارزترین نمونه آن باشد. این بدان معناست که حس تعلق و هم‌گرایی در اقوام وجود دارد و لذا پیشنهاد می‌گردد

متقابلاً حکومت مرکزی نیز به استفاده از ظرفیت نخبگان قومی و به کارگیری ایشان در نقاط تصمیم‌گیری، موجبات اتحاد و هم‌گرایی بیشتر را فراهم آورد تا تعارضات به حداقل رسیده و به واسطه مشارکت ایشان، درصد پذیرش و همکاری در اجرای تصمیمات و نیز سطح امنیت اجتماعی، حداکثر گردد.

سناریو ۳: خانه پوشالی

فضای این سناریو برداشت‌شده از حاصل تجميع دو نبود قطعیت کاهش هویت ملی و همراه‌سازی نخبگان قومی در کشور خواهد بود. قطعاً کاهش هویت ملی اگرچه حتی با همراهی نخبگان قومیت‌ها همراه باشد، سبب تضعیف تعهد به وطن و ضعف حکومت مرکزی و در نتیجه آن، خدشه‌دار شدن امنیت اجتماعی می‌شود. این سناریو همچنین می‌تواند برخی تعارضات دینی و مذهبی را در بخش‌های مختلف کشور به وجود آورد و به واسطه کاهش هویت ملی، میل به مهاجرت و ایجاد فضای جدایی‌طلبی قابل پیش‌بینی است. از سوی دیگر، می‌تواند بستر مناسبی را برای جاسوسی علیه کشور و اخلال در فضای امنیت ملی به وجود آورد. با وجود اینکه تجربه ثابت کرده است که در پیچ‌وخم‌های تاریخی ایران، اقوام ایرانی همواره دوشادوش یکدیگر، در مقابل انواع جنگ‌ها و مسائل، سینه سپر کرده‌اند؛ اما به‌رحال از دیرباز، گروهک‌هایی با اهداف براندازی و ضربه زدن به پیکره متحد ایران، به‌ویژه در نقاط مرزی اقداماتی علیه امنیت ملی انجام داده‌اند که با واکنش شدید حاکمیت و عقیم ماندن این اقدامات، مواجه شده‌اند اما به نظر می‌رسد که کاهش هویت ملی و تعصب نسبت به وطن، می‌تواند این فضا را تشدید نماید و از سوی دیگر، ممکن است با حمایت برخی افراد نفوذی در حکومت مرکزی، ضربات بیشتر و قوی‌تری وارد نمایند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌گردد دولت مرکزی با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف مانند آموزش، رسانه و فرهنگ‌سازی و همچنین بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، تلاش نماید تا مؤلفه هویت ملی را تقویت نماید؛ تاریخ ایران و اسلام، سرشار از اسطوره‌ها و قهرمانانی است که می‌توانند الگو و معیار مناسبی برای تقویت هویت ملی و افزایش حس تعلق و تعهد به میهن و ارتقاء سطح امنیت باشد.

سناریو ۴: خانه ویران

فضای این سناریو برداشت‌شده از حاصل تجميع دو نبود قطعیت کاهش هویت ملی و کنار گذاشتن نخبگان قومی در کشور خواهد بود. این سناریو عملاً بدترین شرایط قابل تصور برای جمهوری اسلامی ایران است که نه تنها از نخبگان قومیتی در مناصب تصمیم‌ساز استفاده نشده، بلکه هویت ملی نیز کاهش یافته و تعلق‌خاطر به وطن در حال نزول است و قطعاً امنیت اجتماعی نیز به سمت وسوی مثبت حرکت نخواهد کرد. این شرایط می‌تواند بدترین حالات ممکن را به وجود آورد و امنیت ملی را به‌صورت جدی با خلل مواجه سازد. از سوی دیگر مهاجرت و جاسوسی علیه وطن افزایش یافته و تعارضات داخلی و احتمالاً منازعات داخلی و تمایل به جدایی‌طلبی به حداکثر سطح ممکن خواهد رسید. مذهب رسمی کشور (شیعه)

تضعیف شده و احتمال گسترش برخی فرقه‌ها با سوءاستفاده از خلأها وجود خواهد شد؛ احساس بیگانگی با وطن در میان قومیت‌ها شدت می‌گیرد و خودشان را فرزندی از ایران نمی‌دانند و لذا امکان هر نوع اقدامی که با امنیت ملی در تضاد باشد نیز وجود دارد؛ نخبگان از ایران مهاجرت کرده و به مخالفان و معاندان می‌پیوندند و ظرفیت نخبگی‌شان برای کشورهای بیگانه مصرف خواهد شد؛ دولت مرکزی هر لحظه باید منتظر اقدام علیه خود باشد و امنیت اجتماعی کاملاً درخطر است و بخش زیادی از سرمایه و بودجه خود را صرف اقدامات تأمینی نماید. درنهایت پیشنهاد می‌گردد که همه ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران باید با فعالیت و اقدامات اساسی، تلاش نمایند تا به هیچ‌عنوان حرکت کشور به سمت تحقق این سناریو پیش نرود؛ چراکه در این شرایط، ثبات و امنیت اجتماعی کاملاً دچار مشکل خواهد شد و در کنار دشمنان و معاندان خارجی، در داخل کشور هم اقدامات ناامن‌کننده رخ خواهد داد؛ باید تلاش شود تا حتماً سناریوی اول و مطلوب محقق شده و این سناریو به‌عنوان بدترین حالت ممکن، از میان برداشته شود. در جمع‌بندی پایانی باید گفت با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر و سناریوهای پیش‌رو بر اساس مؤلفه‌های هویت ملی و همراه‌سازی نخبگان قومیتی، به نظر می‌رسد که نظام ج.ا.ایران باید تلاش خویش را در راستای ایجاد سناریوی مطلوب (خانه امن) به کار گیرد و با استفاده از راه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مؤلفه‌های هویت ملی را در مردم تقویت نماید که در این راه استفاده از ظرفیت‌های دینی و فرهنگی، می‌تواند مفید واقع گردد. از سوی دیگر، با بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان اقوام مختلف کشور و به کارگیری ایشان در مناصب دولتی و حکومتی، ضمن تأکید بر وحدت میان مذاهب، زبان‌ها و اقوام گوناگون، می‌توان تعارضات و منازعات احتمالی را به‌صورت جدی کاهش داد و برآیند این وضعیت قطعاً کاهش مهاجرت و پیشگیری از سوءاستفاده بیگانگان و دشمنان در راستای بهره‌برداری و جاسوسی خواهد شد. بدون شک بی‌توجهی به اقوام و به‌ویژه نخبگان آن‌ها، سبب خواهد شد تا حس تعلق و تعهد کاهش یابد و از سوی دیگر، در مقابل تصمیمات دولت مرکزی جبهه‌گیری صورت پذیرد. کشور ایران در شرایط بحرانی کنونی، حتماً نیازمند امنیت و آرامش داخلی است و قطعاً اتحاد، انسجام و همدلی اقوام مختلف و حضور پررنگ‌ترشان در عرصه‌های گوناگون سیاست‌گذاری، می‌تواند یک راهکار اساسی و عملی در این راستا باشد که علاوه بر ارتقای امنیت ملی در همه ابعاد، امنیت اجتماعی را نیز مورد حمایت قرار دهد. از سوی دیگر نخبگان سیاسی، علمی، اجتماعی و فرهنگی زیادی در اقوام گوناگون کشور حضور دارند که هریک به‌تنهایی می‌تواند جمعیت قابل‌توجهی از قومیت خود را در جهت ازدیاد تعلق به هویت مشترک ملی و ایرانی متأثر سازد.

از منظر آینده‌نگاری راهبردی، دو رویکرد کلی برای رویارویی با سناریوهای تدوین‌شده فوق وجود دارد. که توجه هم‌زمان به هر دو رویکرد، به نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری کشور توصیه می‌گردد. الف) رویکرد

پیش فعالانه: قبل از وقوع سناریوهای بدبینانه، از اکنون باید به فکر رویارویی پیش‌دستانه با آنها بود تا از غافلگیری ناگهانی و اقدامات تأخیری و کم‌اثر جلوگیری شود؛ ب) رویکرد فوق‌فعالانه: بجای آمادگی برای رویارویی با سناریوهای بدبینانه، باید با انجام اقداماتی در زمان حال، از وقوع این سناریوها در آینده جلوگیری کرد و اقداماتی در راستای وقوع و تقویت سناریوی مطلوب صورت داد.

منابع

- احمدلو، حبیب و افروغ، عماد (۱۳۸۱). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. فصلنامه مطالعات ملی، بهار ۱۳۸۱، شماره ۱۳، ۱۰۹-۱۴۴.
- احمدی، حمید (۱۳۹۵). قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ از افسانه تا واقعیت. تهران: نشر نی.
- اخوان مفرد، حمیدرضا؛ هندیانی، عبدالله و زینال‌نژاد، حسن (۱۳۸۷). بررسی راه‌های هم‌گرایی قومیتی با تأکید بر اقوام ترک و کرد در شهرستان ماکو. مطالعات مدیریت انتظامی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴، ۳۹۹-۴۱۵.
- اسلامی، علیرضا (۱۳۸۵). قومیت و ابعاد آن در ایران. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۴، ۱۹۵-۲۱۲.
- اسنایدر، کریگ ای (۱۳۸۴). امنیت و استراتژی معاصر، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- اعظمی، هادی و حیدری، جهانگیر (۱۳۹۴). مدل‌سازی نشانگان سیاست‌های همگرا و واگرایی قومی در ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، بهار ۱۳۹۴، شماره ۳۷، ۷۱-۱۰۰.
- افضل‌ی، رسول و ضرغامی، برزین (۱۳۸۸). تحلیل بنیادهای پایدار هم‌گرایی و متغیرهای اعتباری تحدید قومی در ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۷۰، ۷۷-۹۰.
- الهی منش، محمدحسن؛ برقی، شهریار؛ فولادی، بهروز (۱۳۹۷). عصر جهانی‌شدن و تأثیر گرایش‌های قومی بر امنیت ملی ج.ا.ایران. فصلنامه علوم سیاسی، دوره سوم، شماره ۳۵، ۴۱-۵۴.
- امید، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۸۹). ابعاد سیاسی جهانی‌شدن و قومیت در ایران بر اساس مطالعه میدانی دانشجویان منتخب از چهار قوم ایرانی کرد، بلوچ، عرب و آذری. پژوهش سیاست نظری، تابستان و پاییز ۱۳۸۹، شماره ۸، ۱۴۱-۱۷۰.
- بایبوردی، اسماعیل و کریمیان، علیرضا (۱۳۹۳). جهانی‌شدن فرهنگ و تأثیر آن بر هویت ملی ایران. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲۸، ۷۷-۱۰۲.
- برتون، رولان (۱۳۹۴). قوم‌شناسی سیاسی. ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- بیانلو، یوسف (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی نگرش شهروندان زنجان به قومیت‌گرایی (مطالعه موردی پان‌ترکیسم). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۱۶، ۷۳-۹۲.
- پوررحمان برندق، محرم (۱۳۸۸). امنیت ملی و اقلیت‌های قومی و دینی در جمهوری اسلامی ایران. مجله حصون، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۹، ۲۰۵-۲۲۲.
- جهانبخش، محمدعلی (۱۳۹۳). فرهنگ اقوام ایران. تهران: انتشارات ساکو.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۷۷). جامعه مدنی و قومیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره یکم، شماره ۲، ۱۲۹-۱۴۴.
- حق‌پناه، جعفر؛ رحمانی ساعد، هادی؛ تنهایی، علیرضا و عبدالحجید شکبیا (۱۳۹۵). اشتراکات فرهنگی-تاریخی

- به‌عنوان مؤلفه هم‌گرایی قوم بلوچ با حاکمیت و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه امنیت پژوهی، سال پانزدهم، شماره ۵۵- پاییز ۱۳۹۵. صص ۱۵۱-۱۸۱.
- خرازی آذر، زهرا؛ مظفری، افسانه و بهرامیان، شفیع (۱۳۹۵). تأثیر استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی بر هم‌گرایی بین قومی در ایران. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۳۴، ۶۹-۱۰۱.
 - خسروی، سعید؛ حسینی مهر، مصطفی (۱۳۹۵). نقش قومیت‌ها بر تقویت انسجام ملی. فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۲، ۱۱۴-۱۳۰.
 - درویشی، فرهاد و امامی، اعظم (۱۳۸۹). قومیت‌ها و هم‌بستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و راهکارها. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۹، شماره ۲۰، ۱۲۱-۱۴۸.
 - رفعتی، حمیدرضا؛ ابراهیمی، حسین و رحمانی ساعد هادی (۱۳۹۷). سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال غرب و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی قوم آذری). فصلنامه امنیت پژوهی. سال هفدهم، شماره ۶۲، صص ۵-۳۷.
 - رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۶). عوامل وفاق اجتماعی ایرانیان در تاریخ معاصر (با تأکید بر نقش تشیع). فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، بهار ۱۳۸۶، شماره ۱۳، ۸۷-۱۳۴.
 - ستاره، جلال؛ محمدی اطهر، علیرضا (۱۳۹۲). مرز و قومیت، تحدید یا فرصت. فصلنامه علوم و فنون مرزی، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۵، ۹۳-۱۰۴.
 - سید امامی، کاووس (۱۳۸۵). قومیت از منظر سیاست‌های هویت. فصلنامه دانش سیاسی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۳، ۱۴۳-۱۶۶.
 - شوارتز، پیت (۱۳۸۷). هنر دورنگری؛ برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای با نبود قطعیت. ترجمه عزیز علیزاده، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
 - شیروانی ناغانی، مسلم؛ عیوضی، محمدرحیم و قاسمی، حاکم (۱۳۹۶). چیستی و چرایی مفهوم میان‌رشته‌ای آینده‌نگاری راهبردی در فرارشته آینده‌پژوهی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۳، ۲۴-۱.
 - صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸). مدیریت منازعات قومی در ایران. چاپ دوم، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
 - فرهنگ، مهناز؛ سعیدی مدنی، سید محسن و سهندی خلیفه‌کندی، مهناز (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کرد (مورد مطالعه: شهرهای سنندج و تبریز). بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱، ۹۵-۱۲۲.
 - قائدی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۴). آینده‌پژوهی روند هم‌گرایی و وحدت دنیای اسلام. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۲۳، ۱-۳۴.
 - کرامت زاده، عبدالحجید (۱۳۸۵). دانش واژه آینده‌پژوهی. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه

- آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- کریمی، علی (۱۳۹۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی؛ مسائل و نظریه‌ها. تهران: سمت.
 - کریم‌زاده، علی؛ علوی، سید فؤاد و احمدی راد، علی (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی مسائل قومی در جامعه ایران (بررسی موردی: عرب‌های ساکن شهرستان اهواز). فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، دوره بهار ۱۳۹۲، شماره ۲۰، ۵۳-۸۰.
 - لیندگرن، ماتس؛ باند هولد، هانس (۱۳۹۰). طراحی سناریو: پیوند بین آینده و راهبرد. ترجمه عزیز تاتاری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
 - مرادی‌جو، علی‌جان (۱۳۹۱). سیاست‌گذاری تنوع قومی در ایران. مطالعات تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۵، ۸۹-۱۲۲.
 - مهری کارنامی، محمد (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی تأثیر قومیت‌گرایی بر امنیت ملی. فصلنامه حصون، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۹، ۱۶۶-۱۸۲.
 - نصری، قدیر (۱۳۹۰). درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - نوربخش، یونس (۱۳۸۷). فرهنگ و قومیت مدلی برای ارتباطات فرهنگی در ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱، شماره ۴، ۶۷-۹۰.
 - یوسفی، علی (۱۳۸۱). طبقه‌بندی اجتماعی اقوام در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، دوره بهار، شماره ۹، ۲۰۱-۲۱۴.
 - Bell, W. (2003). **Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era: History, Purposes, Knowledge**, Transaction Publishers, New Brunswick, NJ.
 - Fernandez-Güell, J. M. & Collado, M. (2014). **Foresight in designing sun-beach destinations**. *Tourism Management*, 41, 83-95.
 - Godet, m. & Roubelat, f. (1996). **Creating the future: the use and misuse of scenarios**. *Long range planning*, 29 (2), 164-171.
 - Iden, J. Methlie, L.B. & Christensen, G.E. (2017). **The nature of strategic foresight research: A systematic literature review**. *Technological Forecasting & Social Change*, 116, 87-97.
 - Kapoor, R. (2001). **Future as fantasy: Forgetting the flaws**. *Futures*, 33 (2), 161-170.
 - Kuosa, T. (2011). **Evolution of futures studies**. *Futures*, 43, 327-336.

- Kuosa, T. (2012). **The evolution of strategic foresight: Navigating public policy making**. Oxford: Routledge.
- Rejeski, D. & Olson, R. L. (2006). **Has futurism failed? The Wilson Quarterly**, Wilson Institute, Washington D.C; Winter, 14-21.
- Sardar, Z. (2010). **The namesake: Futures; Futures studies; Futurology; Futuristic; Foresight What's in a name?** Futures, 42 (3), 177-184.
- Schwenker, B. & Wulf, T. (2013). **Scenario-Based Strategic Planning: Developing Strategies in an Uncertain World**. Berlin: Springer.
- Walsh, P. R. (2005). **Dealing with the uncertainties of environmental change by adding scenario planning to the strategy reformulation equation**. Management Decision, 43 (1), 113-122.

